

با امید به سلامتی تمامی عزیزان و با آرزوی موفقیت‌های روزافزون

همانطور که میدانیم جامعه بشری مبتلا به آلام بسیاری گردیده است و پیامد آن در زندگی انسانها قابل مشاهده میباشد. در آثار مبارکه التیام این آلام به ید قدرت الهی است و "طیب جمیع علتها" ذکر حق دانسته شده که با دعوت انسان به سوی تعالی روحانی، او را از این ورطه نجات میدهد. البته میدانیم این امر منوط به آن است که فرد بتواند با تمسک به انضباط روحانی بر موانع راه فائق آید و علی رغم قوای مانعه، خود را از این ورطه نجات دهد.

بیت العدل اعظم الهی میفرمایند:

"... نوع بشر از فقدان الگویی از زندگی که بتواند از آن الهام بگیرد به شتوه آمده است و ذکر شده که یک فرد به تنهایی میتواند موازینی را رعایت و حمایت نماید که به مراتب بالاتر از معیارهایی است که جهان خود را با آن می‌سنجد. جوانان بهائی علی‌الخصوص باید مواظب باشند که مبدا گمان برند که میتوانند بر طبق رویه معمول اجتماع معاصر زندگی کنند و در عین حال به خاطر آرامش وجدان خود و یا برای جلب رضایت جامعه، آرمانهای بهائی را به حدّ اقلّ لازم رعایت نمایند زیرا به زودی خود را در تلاش برای اطاعت از حتی ابتدایی‌ترین مبادی اخلاقی بهائی و برای مقابله با چالشهای نسل خود ناتوان خواهند یافت."

به فرموده بیت العدل اعظم الهی راه نجات نه رفتار بر طبق رویه معمول اجتماع است و نه رعایت حدّ اقلّی از آرمانهای بهائی

البته قابل تأمل است که به فرموده بیت العدل اعظم الهی

"آنچه احبّا باید در این مورد به خاطر داشته باشند این است که آنان در مساعی خود برای نیل به رشد فردی و برای رعایت تعالیم بهائی، افراد تک‌افتاده ای نیستند که به تنهایی در برابر حمله نیروهای فساد اخلاقی عامل در اجتماع مقاومت میکنند. آنان اعضای جامعه‌ای هدفمند هستند، جامعه‌ای که دامنه‌اش پهنه جهان است و مأموریتی روحانی و عظیم را دنبال میکند یعنی کوشش برای استقرار یک الگوی عمل و ساختاری اداری که مناسب نوع بشری است که پا به عصر بلوغ خود می‌گذارد."

امید آنکه هر یک از ما بتوانیم با اتکاء به قوای انضباط روحانی، بر نیروهای مخرب و غیر اخلاقی دنیای کنونی، فائق آئیم

حضرت عبدالبهاء میفرمایند:

ایمان مانند شجر و تقوی و عمل پاک به مثابه ثمر است ... عمل پاک یعنی رفتار و کردار و گفتار بهائیان حقیقی که مطابق وصایا و نصایح الهی است.

مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد ۲

عنوان: انضباط شخصی وجه تمایز نوع انسان

قسمت روحانی

۱-مناجات شروع

۲-مناجات دوم

۳-بیان مبارک حضرت بهاءالله

۴-لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

۵-قسمتی از پیام بیت العدل اعظم الهی

۶- سعادت و رفاه نوع بشر

۷- آیا شایسته است که بر طبق رویهٔ اجتماع معاصر زندگی کنیم؟

۸- تقلیب فردی و تقلیب اجتماعی، دو فرایند جدایی ناپذیر

۹- استقامت در اطاعت از احکام

۱۰- اعتدال در جمیع شئون زندگی

۱۱- احکام بهایی آزادی روحانی در پناه انضباط

۱۲-شور و مشورت

۱۳- برنامه نونهالان و نوجوانان عزیز

قسمت اجتماعی

۱۴-انس و الفت

۱۵-مناجات خاتمه (به انتخاب جمع)

هُوَ الْآبَهُی

ای پروردگار این بنده در کوه منیعت مأوی ده و در ملاذ رفیعت مسکن بخش. شمع روشنی در قلبش بر افروز و چشمه سلسبیلی از دلش جاری کن. ابواب فیض بر رخس بر گشا و اسرار غیب به فؤادش الهام فرما. توئی نصیر توئی ظهیر توئی مجیر توئی دستگیر. چون به تو پردازیم از همه چیز آزادیم. چون به پیمان و ایمان تو ثابت و استواریم، از غیر تو بیزاریم. پروردگارا رحم کن، استقامت بخش. ع ع

مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبها چاپ آلمان ص ۱۷

۲-مناجات دوم

ای یزدان پاک این یاران به محبتت گریبان چاک کردند و از پرتو هدایت، رُخ روشن و تابناک نمودند. از عالم خاک گذشتند و دل به جهان افلاک بستند. خاکسار درگاه تواند و عاکفان بارگاه تو. جز تو نخواهند و بغیر از تو نجویند و جز راز تو نگویند. ظهیر شو، مجیر شو و آزادی به هر اسیر بخش و از سلاسل و زنجیر نفس و هوی نجات ده و بر بندگی و شرمندگی و آزادگی و سادگی موفق نما و از کودکی و آلودگی و خستگی و ماندگی، رهائی ده. توئی مقتدر و توانا و توئی بخشنده و درخشنده در جهان غیب و عیان و علیکم التّحیة و التّناء.

منتخبات مکاتیب ج ۳ ص ۱۸۱

۳- بیان مبارک حضرت بهاءالله

حضرت بهاءالله می فرمایند:

قسم به نیر آسمان معانی که اگر دوستان به آنچه نازل شده عمل نمایند و یا می نمودند، جمیع عالم به مثابه عیون، ایشان را حفظ و حراست می کردند و عن ورائهم جُنود الغیب. جمیع اشیاء جُند الهی بوده و هستند. اریاح از جُندش محسوب، جبال از عسکرش محسوب. موسی با یک عصا عالم را بر هم زد، چه که به امرالله ظاهر و بر خدمتش قائم. انشاءالله امید هست که عصای غیبی بَحُور نفس و هوی را بشکافد و کل را الی الله راه نماید.

آیات الهی، ج ۲، ص ۲۲۹

ای یاران عزیز عبدالبهاء، ید قدرت الهیه چون خیمه عزت ابدیه وحدت عالم انسانی را در قطب امکان برافراخت، ابواب رحمت کبری بر روی همه ما بگشاد و در کلمات مکنونه خطابات رحمانیه فرمود و به عنوان "ای بندگان من" سرافراز کرد. نسبت به خویش داد و از اضطراب و تشویش برهاند. خوان نعمت گسترد، صلاهی عام زد و از هر مائده آسمانی و نعمت رحمانی و موهبت سبحانی، مهیا فرمود. از هر بار گران نجات داد و از هر حمل ثقیل آزاد کرد، به اوامر و نواهی و تعلیمی امر فرمود که روح را جان بخشد و جان را به جانان رساند. جمیع احکام، گشایش است نه تضییق، اطلاق است نه تقیید، روح و ریحان است نه تحدید.

مآخذ اشعار فارسی ج ۳ ص ۷۱

۵- قسمتی از پیام بیت العدل اعظم الهی

در پیام ۵ جولای ۱۹۷۳ بیت العدل اعظم خطاب به عده‌ای از جوانان چنین مذکور:

"آنچه جوانان را از غلبه شهوات نفسانی حفظ نماید، توجه آنان به ملکوت ابهی و تلاوت آیات و الواح نورا و قیام به خدمت امرالله و اجتناب از بطالت و کسالت و ازدیاد حرکت و کار و فعالیت است. باید سمنند نفس امّاره را لگام انضباط زد و با تأدیب و تهذیب معنوی، رام و آرام نمود و از استغراق در افکار و احلام شیطانی، که خود باعث غلبه شهوات نفسانی گردد، اجتناب جست..."

جوانان عزیز بهائی باید طیب جمیع علتهای را ذکر الهی دانند و با استغراق در بحر آیات و قیام بر عبودیت حضرت احدیت، کسب فضائل و تحصیل علوم و فنون نافعه و حرکت و فعالیت و خدمت مستمر، راه هجوم نفس امّاره را سد نمایند و خود را آماده فوز به سعادت ابدیه از طریق عمل به موجب حدودات الهیه، حُبّاً لجمالها، فرمایند."

اخبار امری، شماره ۹، سال ۵۲، ۲۹ مردادماه ۱۳۵۲، ص ۲۸۱

۶- سعادت و رفاه نوع بشر

براستی صرف انرژی فراوان و منابع وسیع مالی برای تحریف حقیقت به منظور سازگار کردن آن با امیال شخصی، اکنون از خصوصیات بسیاری از جوامع معاصر است. پیامد این کار، پیدایش فرهنگی است که ماهیت و مقصد نوع انسان را واژگون و افراد را اسیر تخیلات و تصوّرات باطل نموده و به بازیچه ای در دست قدرتمندان تبدیل می نماید در حالیکه سعادت و رفاه نوع بشر، منوط به مسئله ای درست برعکس آن است یعنی پرورش خصوصیات انسانی و تنظیم نظم اجتماعی در توافق با حقیقت تعالیم الهی بر حقیقت نور می افشاند و هر نفسی را قادر می سازد تا آن را به خوبی بررسی و تحقیق نماید و از طریق انضباط شخصی صفاتی را کسب کند که وجه تمایز نوع انسان است حضرت بهاءالله می فرمایند "طراز اول.... در معرفت انسان است به نفس خود و به آنچه سبب علوّ و دُنوّ و ذلّت و عزّت

و ثروت و فقر است".... برای حفظ سلامت جسمانی و عقلانی بدیهی است که نمیتوان قوانینی را که بر عالم مادی حکمفرماست نادیده گرفت. همان طور نیز همگان می‌پذیرند که برای هر ملتی که بخواهد به نحو مطلوب به امور خود بپردازد، قوانین و سُنن اجتماعی خاصی وجود دارد که باید از آنها پیروی شود. به همین نحو، قوانین و اصولی وجود دارد که بر حیات روحانی ما حاکم است و برای اینکه فرد و اجتماع کلاً به نحوی سالم و هماهنگ پیشرفت نمایند توجه به آنها حائز اهمیت حیات است. فرد بهائی با شناسایی مظهر ظهور الهی برای عصر حاضر تصدیق می‌نماید که قوانین و نصایح نازله، حقایق مربوط به ماهیت انسان و منظور از عالم هستی را بیان میکند، بر آگاهی و ادراک انسان می‌افزاید، معیار رفتار شخصی را بالا میبرد و موجبات ترقی اجتماع را فراهم میسازد. به این ترتیب تعلیم حضرت به‌الله سبب تواندهی نوع بشر است، مَنادی سعادت انسان است و بدون اصرار به اطاعت کورکورانه از مقرراتی خودکامه و مستبدانه، او را به سرمنزل آزادی حقیقی رهنمون می‌گردد. حضرت به‌الله می‌فرمایند: لَو اتَّبَعَ النَّاسَ مَا نَزَّلْنَا لَهُمْ مِنْ سَمَاءِ الْوَحْيِ لَيَجِدَنَّ أَنْفُسَهُمْ فِي حُرِّيَّةٍ... (مضمون: اگر مردم از آنچه برای آنها از آسمان وحی فرستادیم پیروی میکردند به یقین به آزادی کامل نائل میشدند.) همچنین می‌فرمایند: لَا تَحْسَبَنَّ أَنَا نَزَّلْنَا لَكُمْ الْأَحْكَامَ بَلْ فَتَحْنَا خْتَمَ الرَّحِيقِ الْمَخْتومِ بِأَصَابِعِ الْقُدْرَةِ وَالْاِقْتِدَارِ. (مضمون: گمان مبرید که برای شما احکام نازل کردیم بلکه مَهر شراب ناب را با انگشتان قدرت و اقتدار گشودیم)

۷- آیا شایسته است که بر طبق رویه اجتماع معاصر زندگی کنیم؟

بهائیان در سراسر جهان در فرهنگهای متنوع، با ارزشها و با روشهایی مواجه میشوند که با تعلیم امری شدیداً در تضاد است و بعضی از آنها مانند تعصب نژادی، تبعیضات جنسی، استثمار اقتصادی و فساد سیاسی در بطن ساختارهای اجتماعی نهادینه شده اند. برخی دیگر به رفتار شخصی مربوط می‌شوند علی‌الخصوص در مورد مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر، رفتار جنسی و به طور کلی ارضای امیال نفسانی. اگر بهائیان تسلیم آداب و رسوم اجتماع شوند این شرایط چگونه تغییر خواهد کرد؟ در پیام رضوان ۲۰۱۲ بیت العدل اعظم توضیح داده شده که نوع بشر از فقدان الگویی از زندگی که بتواند از آن الهام بگیرد به ستوه آمده است و ذکر شده که یک فرد به تنهایی میتواند موازینی را رعایت و حمایت نماید که به مراتب بالاتر از معیارهایی است که جهان خود را با آن می‌سنجد. جوانان بهائی علی‌الخصوص باید مواظب باشند که مبدا گمان برند که میتوانند بر طبق رویه معمول اجتماع معاصر زندگی کنند و در عین حال به خاطر آرامش وجدان خود و یا برای جلب رضایت جامعه، آرمانهای بهائی را به حد اقل لازم رعایت نمایند زیرا به زودی خود را در تلاش برای اطاعت از حتی ابتدایی‌ترین مبادی اخلاقی بهائی و برای مقابله با چالشهای نسل خود ناتوان خواهند یافت. حضرت به‌الله هشدار میدهند که اجنحه آلوده به آب و گل قادر بر طیران نبوده و نخواهد بود. شادی درونی که هر فردی جویای آن است برخلاف احساسات و هیجانات زودگذر، مشروط به تأثیر عوامل بیرونی نیست بلکه کیفیتی است منبعث از ایقان و معرفت آگاهانه ناشی از قلبی پاک که قادر است آنچه را که دائمی و جاودانی است از آنچه سطحی و زودگذر است تمییز دهد. حضرت به‌الله ما را با این عبارات متذکر می‌فرمایند: اُرْكُضْ فِي بَرِّ الْعَمَاءِ ثُمَّ اسْرِعْ فِي مَيْدَانِ السَّمَاءِ لَنْ تَجِدَ الرَّاحَةَ إِلَّا بِالْخُضُوعِ لِأَمْرِنَا وَ التَّوَّاضِعِ لَوْجِهِنَا. (مضمون: اگر فضای بیکران را با سرعت بپیمایی و به سرعت از وسعت آسمان بگذری باز هم هرگز راحت را نخواهی یافت مگر در اطاعت از ما و تواضع در برابر ما) پس وظیفه اطاعت از احکامی که حضرت به‌الله برای عصری جدید آورده‌اند، در مرحله اول بر

عهده شخص مؤمن است. این اطاعت در کانون روابط بین حبیب و محبوب جای دارد. حضرت بهاءالله میفرماید: *اعملوا خُودى حُبّاً لجمالى*. ولکن آنچه در این رابطه مورد نظر میباشد سعی و کوشش مبتنی بر اشتیاقی صمیمانه است نه حصول کمال فوری و آنی. صفات و عادات فکری و کرداری که وجه تمایز حیات بهائی است از طریق کوشش روزمره حاصل میشود. حضرت بهاءالله میفرماید: *حاسب نفسک فى کلّ یوم و توصیه میفرماید که اجعلوا اشراقکم افضل من عَشِيَّتکم و غَدکم احسن من اَمسکم*. احبّای عزیز نباید در تلاشها و مساعی شخصی خود برای نیل به موازین الهی دلسرد گردند، و نیز نباید فریب این استدلال را بخورند که چون اشتباه اجتنابناپذیر و رسیدن به کمال غیر ممکن میباشد، پس کوشش در این راه بیهوده است. از طرفی باید از دام ریاکاری، یعنی گفتن یک چیز و عمل به چیز دیگری بر حذر باشند و از طرف دیگر از غفلت یعنی بی اهمّیت شمردن قوانین و نادیده گرفتن لزوم و یا بحث در باره عدم نیاز پیروی از احکام، بپرهیزند. همچنین لازم است از فلج اراده ناشی از احساس گناه اجتناب کنند. زیرا که نگرانی مُفرط در مورد یک ضعف اخلاقی خاص، برآستی میتواند در مواقعی غلبه بر آن را مشکلتر سازد.

۸- تقلیب فردی و تقلیب اجتماعی، دو فرایند جدایی ناپذیر

آنچه احبّای باید در این مورد به خاطر داشته باشند این است که آنان در مساعی خود برای نیل به رشد فردی و برای رعایت تعالیم بهائی، افراد تک‌افتاده ای نیستند که به تنهایی در برابر حمله نیروهای فساد اخلاقی عامل در اجتماع مقاومت میکنند. آنان اعضای جامعه‌ای هدفمند هستند، جامعه‌ای که دامنه‌اش پهنه جهان است و مأموریتی روحانی و عظیم را دنبال میکند یعنی کوشش برای استقرار یک الگوی عمل و ساختاری اداری که مناسب نوع بشری است که پا به عصر بلوغ خود می‌گذارد. آنچه به مجهودات جامعه شکل می‌دهد چارچوب عمل تعیین شده در نقشه‌های جهانی آیین بهائی است. این چارچوب تقلیب فردی را همگام با تقلیب اجتماعی به عنوان دو فرایند جدایی‌ناپذیر، ترویج می‌نماید. دوره‌های مؤسسه آموزشی اختصاصاً بدین منظور طراحی شده اند که فرد را در مسیری قرار دهند که در آن، خصایل و گرایشها، و مهارتها و توانمندیها تدریجاً از طریق خدمت کسب میشوند، خدمتی به قصد غلبه بر نفس اماره، کمک به رهانیدن انسان از حدود و قیود خویش و قرار دادن او در یک فرایند پویای جامعه‌سازی. در این بستر هر فرد خود را غرق در فضای جامعه‌ای می‌یابد که به نحوی فزاینده به منزله محیطی عمل می‌کند که موجب پرورش خصایلی است که باید زندگی بهائی را متمایز سازد، محیطی که در آن روح یگانگی به همگان زندگی و تازگی میبخشد. محیطی که در آن غلّقه دوستی و الفت، افراد را به هم پیوند میدهد؛ محیطی که در آن اشتباهات با بردباری معامله می‌شود و ترس از شکست کاهش می‌یابد؛ محیطی که در آن از تنقید دیگران پرهیز می‌شود و غیبت و بدگویی جای خود را به تشویق و حمایت متقابل می‌سپارد؛ محیطی که در آن پیر و جوان دوش به دوش هم فعالیت میکنند، کلام خلاق الهی را مطالعه می‌نمایند و در مسیر خدمتشان یکدیگر را همراهی میکنند؛ محیطی که در آن کودکان از طریق فرایندی آموزشی که سعی در تقویت قوای روحانی آنان دارد و روح ایمان را در آنان می‌دمد پرورش می‌یابند؛ محیطی که در آن به جوانان کمک می‌شود تا مفاهیمی نادرست را که اجتماع، اشاعه می‌دهد دریابند، مشغولیت‌های بیهوده آن را تشخیص دهند، در برابر فشارهای آن مقاومت کنند و در عوض، قوای خود را صرف بهبود آن نمایند....

در ملاحظه تأثیر اطاعت از احکام در زندگی فردی، باید به خاطر داشت که هدف از این حیات، آماده ساختن روح جهت زندگی بعدی است. در اینجا باید آموخت که چگونه باید غرایز و امیال حیوانی را تحت انضباط در آورد و برده آنها نشد. زندگی در این عالم عبارت از یک رشته امتحانات و موفقیت ها، یک سلسله شکستها و ترقیات روحانی است. گاهی اوقات سیر امور ممکن است دشوار به نظر آید، اما مکرراً می توان مشاهده نمود نفسی که در کمال استقامت از احکام حضرت بهاءالله، هر قدر که مشکل به نظر برسند، اطاعت می کند، از لحاظ روحانی رشد می نماید، در حالی که شخصی که برای حصول مسرت ظاهری خود حکم الهی را بی اعتبار می سازد، آشکارا از اوهام و خیالات خویش تبعیت می نمایند. او به مسرتی که طالب آن است واصل نمی گردد، ترقی روحانی اش را به تعویق می اندازد و غالباً برای خود مشکلاتی ایجاد می کند...

کتاب (ذهب و نار) ص ۳۶

۱۰-اعتدال در جمیع شئون زندگی

جسم ظاهری انسان از عواملی چند ترکیب یافته و به مقتضای همین عوامل مادی، به اعمالی شبیه سایر حیوانات در معرض خواسته های جسمانی و رنج بدنی چون گرسنگی، شهوات جنسی، ترس، درد، خشم، امراض جسمی و روانی و غیره میباشد. این امور کشش و کوششی سازنده در نفس انسان بوجود میآورد و نیازهای جسمانی انسان را به طرف اعمال حیوانی سوق میدهد در حالی که طبیعت روحانی، وی را به سوی اهدافی متفاوت رهبری میکند. حضرت بهاءالله بیان میفرماید که مبارزه برای در اختیار گرفتن این خواهشهای جسمانی و هدایت آن، بخشی از لوازم رشد انسانی محسوب میگردد. هماهنگی طبایع جسمانی و روحانی، موجب وصول بشر به درجه کمال انسانی است. چنانچه در تطبیق طبایع مادی با ماهیت روحانی اهتمامی به عمل نیاید، وجود انسانی تحت سلطه علائق جسمانی درآمده، بنده و برده شهوات نفسانی شده و در نتیجه همه ظرفیت و استعداد خود را برای عمل به موجب کیفیات روحانی خود از دست خواهد داد. برای مثال کسی که به مسکرات و مخدرات معتاد باشد به راستی قادر نیست استعداد روحانی خویش را گسترش دهد مگر آنکه خود را از قید این گونه اعتیادات آزاد سازد. به همین ترتیب اختصاص همه عوامل در پیروی از امور مادی نیرو و وقتی را که برای پرورش قوای اساسی و روحانی مورد لزوم است، از کف انسان می رباید. به خلاف عقاید و نظریات صاحبان بعضی مذاهب، امر بهائی آرزوهای جسمی و علائق مادی را «ناشایست» و «شر» نمیشناسد. همه مظاهر خلقت الهی اصولاً و اساساً «خیر» محسوب میگردد. عملاً مقصد اصلی از فعالیتهای جسمانی و قوای ظاهری آن است که موجبات پیشرفت و تکامل روح بشری را فراهم نماید. چون قوای بدنی به تدریج تحت کنترل آگاهانه روح قرار گیرد، به صورت ابزاری برای تجلی کیفیات روحانی درخواهد آمد. فقط شهوات لجام گسیخته و نامنضبط نفسانی است که مضر بوده و صدمه ای شدید به تکامل روحانی بشر وارد میسازد.

برای مثال انگیزه جنسی در حقیقت موهبتی است الهی. اعمال انضباط و برآورد آن در حریم ازدواج میتواند کیفیات روحانی عشق و محبت را جلوه‌گر سازد در حالی که اگر از این شهوات جنسی سوء استفاده شود، شخص را فاسد و بی ارزش ساخته و حتی او را به تباهی و اعمال خرابکارانه خواهد کشاند.

نظر به این که بدن وسیله ظهور قوای روح انسانی در زندگی ظاهری است نگهداری و حفظ آن از اهمیت فراوانی برخوردار است. حضرت بهاءالله هر گونه ریاضت و نفی زندگی را شدیداً نَهی فرموده و انضباط سالم و عقلانی را توصیه کرده اند. بنابراین در آثار بهایی شماری چند از احکام عملی برای مواظبت از جسم انسانی از قبیل تغذیه صحیح، شستشوی مرتب بدن و غیره دیده میشود. موضوعی که در این مسائل و سایر مباحث امر بهایی اهمیت فراوان دارد، رعایت اعتدال در همه شئون زندگی است چه اموری که در حد اعتدال پربهره و نافع مشاهده میشود، در حال افراط و یا تفریط زیان آور خواهد بود.

دیانت بهائی آئین فراگیر جهانی ص ۱۴۶-۱۴۸

۱۱- احکام بهایی آزادی روحانی در پناه انضباط

کلیه مؤسسات بهایی که تا کنون مورد بحث قرار گرفته است به موجب حدود و احکام نازل الهیه به انجام وظائف خود مبادرت مینمایند. حضرت بهاءالله تأکید فرموده اند که استحکام اساس جامعه در سایه رعایت قانون تأمین میگردد و بدون آن هیچ امری استقرار نیافته و نظم برقرار نمیشود و بدون وجود نظم نیز پیکره و قالبی وجود نخواهد داشت تا در محدوده آن فعالیت‌های روحانی، فرهنگی، تکنولوژی و علمی که وابسته به تأثیرات متقابل نوع انسان است امکان توسعه پیدا کند. حتی آزادی فردی نیز موقوف و معلق به وجود قانون میباشد. هر فرد با محدود کردن بخشی از آزادیهای فردی در سیستم قواعد و قوانینی که مورد قبول عموم قرار گرفته است، به ایجاد محیطی کمک میکند که در آن میتواند منافی بس فزونتر از آن مقدار از آزادیهای شخصی خود که از آن صرفنظر نموده است بدست آرد.

طبایع حیوانی بشر مستلزم وجود قوانین و مقررات محکم و متینی است که بتواند آنها را تحت نظم و ضابطه درآورد. این موضوع قبلاً تا حدی مورد مطالعه قرار گرفت. در این مقام مختصراً متذکر میگردد که به عقیده اهل بها صفات روحانی، عقلی و اخلاقی انسان در حالی که ظهور میرسد که جسم ظاهری وی به عنوان وسیله ای قابل اعتماد از انضباط و تقوای لازم برخوردار باشد. هر گاه شهوات جسمانی، غالب شود و فائق آید، طبع حقیقی انسان ناتوان گردیده و در زندان غرائز حیوانی گرفتار خواهد شد.

عالیترین و مهمترین منبع قوانینی که برای تعالی روحانی بشر مفید و لازم است استمرار فیض الهی و ظهور مظاهر مقدسه میباشد. احکام نازل حضرت موسی، حضرت عیسی و حضرت محمد منحصراً مقررات ساده و یا توصیه های اخلاقی نیست. چون محبت مظهر الهی در قلب و فؤاد نفوس بشری عمیقاً نفوذ مینماید. احکام و قوانین نازل از

طرف آن نفس مقدس قادر خواهد بود که عُقول و وجدان افراد را منقلب سازد. موازین درست یا نادرست امور در جهت تشخیص مظاهر مقدسه الهیه در دوران هر یک از آنان تغییر مییابد و بر اساس این تغییرات، جامعه خود به وضع سیستم قوانین اقدام مینماید. حضرت بهاءالله میفرماید: "لا تحسبن انا نزلنا لكم الاحكام بل فَتَحْنَا خْتَمَ الرَّحِيقِ الْمُخْتَوَمِ بِاصْبَاعِ الْقُدْرَةِ وَ الْاِقْتِدَارِ"...

با توجه به این نکته از اهمیت قوانین الهی است که حضرت ولی امرالله مجموعه احکام نازله از قلم حضرت بهاءالله یعنی کتاب مقدس اقدس را «برجسته ترین» اثر حیات مبارک ایشان و «نورانی ترین تجلی فکری» آن حضرت و «منشور نظم بدیع جهان آرای جمال اقدس ابهی» توصیف نموده اند. کتاب مستطاب اقدس قوانین اساسی حیات روحانی افراد انسانی و مقررات عضویت در جامعه بهائی را انشاء و وضع نموده است. این کتاب با هر میزانی که سنجیده شود سندی فوق العاده و اثری برجسته محسوب میگردد. ..سه موضوع مشخص در این اثر مبارک به چشم میخورد: جامعیت و وسعت مطالب؛ قابلیت اجرای مستمر و تدریجی؛ و روش ابلاغ و نحوه اشاعه و اعلان آن.

احکام حضرت بهاءالله حوزه وسیعی از مسائل مربوط به افراد و اجتماعات را در بر میگیرد در بین این مواضع از دعا و نماز و مناجات، روزه، ازدواج و طلاق، ارث، تعلیم و تربیت، کفن و دفن اموات و تحریر وصیت نامه، شکار حیوانات، وضع مالیات، روابط جنسی، حفاظت و بهداشت بدن، کار و وضع تغذیه میتوان نام برد. حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء هر دو تایید فرموده اند که احکام کتاب مستطاب اقدس بایستی به تدریج همزمان و هماهنگ با پیشرفت استعدادات و قابلیت بشر در درک و فهم مسئولیتهای ضروری وی به مرحله اجرا درآید. تعلیم و آموزش برخی از قوانین، جریان پیشرفت بلوغ روحانی را تسریع نموده و اجرای سایر قوانین و مقررات را امکانپذیر میسازد .

دیانت بهائی آئین فراگیر جهانی صص ۲۰۲-۲۰۰

۱۲- شور و مشورت

پیشنهاد میگردد با تأمل بر مطالبی که زیارت شد در مورد موضوع زیر گفتگو نمائید

در جامعه ای که برای تحریف ماهیت و مقصد نوع انسان تلاش بسیاری میشود، چگونه میتوانیم با اتکاء بر انضباط روحانی بر مقصد و ماهیت خود استوار بمانیم؟ (با تأمل بر پیام ۱۹ آوریل ۲۰۱۳)